

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه شصت و هشتم 96/12/08

آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (34) – مبانی کلامی وهابیت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

بحث در رابطه با افراط گری های وهابیت بود، نسبت به تکفیری که به مسلمان ها داشتند و مطالبی را که به شیعه داشتند در جلسه گذشته بخشی از این مطالب را اشاره کردیم.

این که قتل شیعه را واجب می دانند همانند خوارج بلکه بدتر از خوارج! ابن تیمیه در منهاج السنه در مورد شیعیان این تعبیر را دارد:

«فإن الروافض شر من النواصب»

شیعه از نواصب هم شرتر هستند.

منهاج السنة النبوية ، ج 2، ص 71، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: 728 ، دار

النشر : مؤسسة قرطبة – 1406 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم

«والذين تكفروهم أو تفسقهم الروافض هم أفضل من الذين تكفروهم أو تفسقهم النواصب»

آن کسانی را که شیعیان تکفیر و تفسیق می کنند این ها افضل هستند از کسانی که نواصب آن ها را تکفیر و

تفسیق می کنند!

مرادش این است که شیعه مثلا ابوبکر و عمر را تکفیر می کند نواصب علی را تفسیق می کنند، ابوبکر و عمر از علی افضل هستند! هدف نهایی این خبیث است!

«وَأَمَّا أَهْلُ السَّنَةِ فَيَتَوَلَّوْنَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَتَكَلَّمُونَ بِعِلْمٍ وَعَدْلٍ»

اهل سنت این طوری نیستند. آنها همه مؤمنین را دوست دارند و به علم و عدالت این ها سخن می گویند اهل جهل و اهل اهواء نیستند و از روافض و نواصب تبری می جویند. همه سابقین و اولین را دوست دارند، قدر صحابه را می دانند، فضل و مناقب صحابه را هم کاملا می دانند، و حقوق اهل بیت را هم رعایت می کنند!

«وَلَا يَرْضَوْنَ بِمَا فَعَلَهُ الْمُخْتَارُ وَنَحْوَهُ مِنَ الْكُذَّابِينَ وَلَا مَا فَعَلَهُ»

آن کاری که مختار انجام داد، -ببینید خیلی عجیب است این شخص می گوید اهل سنت حقوق اهل بیت را رعایت می کنند ولی- کاری که مختار انجام داد از او هم تبری می جویند و راضی نیستند!

یعنی مختار که آمده قاتلین سید الشهداء را به درك واصل کرده است اهل سنت از این ها راضی نیستند ولی حقوق اهل بیت را رعایت می کنند! خیلی عجیب است! در هر صورت با این ها چه کار باید کرد؟

پرسش:

حجاج و مختار را یکی دانسته است.

پاسخ:

بله، حجاج و مختار را در يك ردیف قرار داده است و حال آن که مختار جزء کسانی است که از قبیله ثقیف رسول اکرم صلی الله علیه و سلم را دیده و به او ایمان آورده است، جزء صحابه ی پیغمبر است. حالا چون مختار قتله کربلا را به درك واصل کرده و بنی امیه را نابود کرده است به این ها بر می خورد طبق نظر این ها کذاب و مدعی نبوت شده است! يك حرف های که واقعا اصل و ریشه ای ندارد.

ابن تیمیه در مجموعه رسائل در جلد 3 صفحه 15 می‌گوید:

«فما اكثر ما يوجد في الرفضة والجهمية ونحوهم زنادقة منافقون»

چه زیاد است در رافضه و جهمیه افرادی که زندق و منافق هستند.

کتاب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة ، ج 12، ص 497، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس الوفاة: 728 ، دار النشر : مكتبة ابن تیمیة ، الطبعة : الثانية ، تحقیق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي

ایشان از قیامت هم خبر می‌دهد! اکثریت رافضه و اکثریت جهمیه این‌ها زندق و منافق هستند و در طبقه پایین آتش جهنم هستند!

باز در کتاب مجموع فتاوی دارد که در ضمن طواعن طایفه رافضه می‌گوید جهاد با این‌ها واجب و کشتن این‌ها هم لازم است.

بن باز مفتی اعظم سابق وهابیت که در سال 1420 هـ از دنیا رفت در مسائل بن باز مجموعه‌ی اولی در پاسخ به یک سوال جواب می‌دهد:

« الرفضة الغلاة فی علی، ومن یسبون الصحابة کفار ؛ کرافضة ایران والقطفیف»

مثل شیعیان ایران و قطفیف این‌ها همه‌شان کافر هستند!

مسائل الامام بن باز. المجموعة الاولى. ص 48. ط دار التدمرية

حالا این‌که چرا کافر هستند؟ برای این‌که در مورد علی علیه السلام غلو می‌کنند! غلوشان چیست؟ علی علیه

السلام خلیفه پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم بوده است!

«يسبون الصحابة»

صحابه را سب می کنند

کدام صحابه را سب می کنند؟ اگر سب صحابه کفر است شما باید اول کسی که حکم کفر او را اثبات کنید معاویه است، یا صحابه ای که در آیه افک در صحیح بخاری می گوید این افرادی که:

«يَسُبُّونَ أَهْلِي»

دارند خانواده من را سب می کنند.

الجامع الصحيح المختصر ، ج6، ص2683، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256 ، دار النشر : دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987 ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا

آقای بن باز! آیا حاضر هستی کسانی که خانواده پیغمبر صلی الله علیه واله و سلم را سب می کردند را تکفیر کنی؟ این دیگر صحیح بخاری است و ارتباطی به شیعه ندارد.

عزیزان دقت کنید کتاب صحیح بخاری چاپ عربستان سعودی حدیث 7369 است.

« ما تُشِيرُونَ عَلَيَّ فِي قَوْمٍ يَسُبُّونَ أَهْلِي »

رسول اکرم صلی الله علیه واله و سلم از صحابه مشورت می گیرد می گوید نظر شما نسبت به آن ها که اهل من را سب می کنند چیست؟ اهل پیغمبر هم صحابه اند هم امهات المؤمنین هستند.

آقای بن باز! حالا مسئله! چه کسانی بودند که خانواده پیغمبر صلی الله علیه واله و سلم را سب کردند؟! نسبت فحشا به خانواده پیغمبر دادند؟ آن جا هم رافضی ایران و قطیف بودند! یانه در آن جا همین صحابه ی پیغمبر صلی الله علیه واله و سلم بودند؟

این در صحیح بخاری است، کسانی که خانواده پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم را سب کردند حسان ابن ثابت است که با خود امیرالمؤمنین سلام الله علیه هم بیعت نکرد.

اقای بن باز! آقایان وهابی! آیا حاضر هستید حسان ابن ثابت را تکفیر کنید، که صحابه را سب کرده است؟ مسطح ابن ائاثه پسر خاله ابوبکر است شما حاضرید تکفیرش کنید؟ حمنه خواهر زن پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم است حاضرید شما این افراد را سب بفرمایید؟! این که در صحیح بخاری است ما از کتاب کافی، بحار، وسائل الشیعه و انوار النعمانیه که نقل نمی کنیم.

شما می گوید این ها:

«یسبون الصحابة کفار»

می گویم باشد، گزینشی که نباید حکم جاری کرد، شما می گوید هذا مسکر و کل مسکر حرام فهذا حرام! کل من سب الصحابه کافر. می گویم حسان ابن ثابت ، مسطح ابن ائاثه و حمنه **سبوا امهات المؤمنین** که یک درجه هم بالاتر هستند.

«لستن كأحد من النساء»

یعنی:

«لستن كأحد من الصحابة»

بینید وقتی که انسان بعضی از مطالب را می خواند قلبش به درد می آید. از این که این ها حالا یا خودشان احمق هستند یا دیگران را احمق فرض می کنند! آدم نمی داند چه کار کند!

اقای بن جبرین که همین دو سه سال قبل به درک واصل شد و جزء مفتیان شماره 2 عربستان بود و تقریبا بعد از بن باز عمده فتاوا را ایشان می داد، در سایت الاسلام سؤال و جواب از ایشان سوال کردند:

« ما حكم دفع زكاة أموال أهل السنة لفقراء الرافضة (الشيعة) وهل تبرأ ذمة المسلم الموكل بتفريق الزكاة

إذا دفعها للرافضي الفقير أم لا؟ »

اگر کسی زکات خودش را و یا اگر مسؤول جمع آوری زکوات است، زکات را به فقرای شیعه بدهد بریء الذمه

می شود یاخیر؟

« ذكر العلماء في مؤلفاتهم في باب أهل الزكاة أنها لا تدفع لكافر ولا لمبتدع »

زکات را به کافر و بدعت گزار نمی شود داد.

« فالرافضة بلا شك كفار لأربعة أدلة »

باز بگوئید ما کسی را تکفیر نمی کنیم! حالا ادله ایشان را شما نگاه کنید! می گوئید: چهار دلیل داریم که

شیعیان بدون شك کافر هستند یعنی قاطعانه این را می گوئید!

يك:

« طعنهم في القرآن وادعاؤهم أنه قد حذف منه أكثر من ثلثيه »

هفتاد درصد قرآن حذف شده یعنی دو ثلث قرآن حذف شده است.

پرسش:

استاد ببخشید! يك بحث پر سر و صدایی هم چند سال پیش ایجاد شد در مورد همین قضیه که گفتند از

مرحوم نوری در این مورد کتابی است.

پاسخ:

آخر! آقای نوری مرجع تقلید شیعیان بوده؟! نظر مرحوم نوری مورد تأیید مراجع و علما بوده است؟! اگر این طوری است من در یکی از مناظراتی که در مکه با یکی از مفتیان این‌ها داشتم بعد از نماز ظهر دیدم يك بنده خدایی حدود 35 سال آمد کنار من نشست گفت شما بعضی روزها این‌جا می‌آیی يك پارچه‌ای سرت می‌پیچی امروز چرا آن پارچه را بر سرت نیپچیدی؟!

گفتم بعض وقت با لباس و بعض وقت هم بدون لباس این‌جا می‌آییم، گفت من دوست دارم با شما مناظره کنم حاضرید با من مناظره کنید؟

گفتم مناظره نه، ولی بحث دوستانه‌ی علمی بله، دیدم که خیلی خوب فارسی حرف می‌زند بعد معلوم شد که ایشان بورسیه عربستان سعودی در اسکندریه مصر در رشته ادبیات فارسی بوده است.

بعد دیدم 10-15 تا از بچه‌های ایرانی که عمدتاً هم دانشجو بودند آمدند دور ما حلقه زدند، من تعجب کردم خیلی هم جا خوردم .

بعد یکی از این‌ها که دانشجوی دانشگاه تهران هم بود گفت: حاج اقا ایشان چند روزی است ما را در طبقه بالا می‌برد و نصیحت می‌کند که شما دست از مذهب تشیع بردارید! به ما می‌گوید شما تقصیر ندارید، علمای شما گمراه و جاهل هستند شما را هم گمراه کردند، شما يك روزی بیایید من با یکی از علمای شما مناظره می‌کنم و ثابت می‌کنم که این‌ها گمراه هستند و بلد نیستند و سواد ندارند!

لذا امروز آمده و شما را انتخاب کرده است، گفتم هیچ نگران نباشید جایی خیلی خوبی آمده است! شروع کرد و اول جمله‌اش این بود که شما قرآنی غیر از قرآن اهل سنت دارید.

گفتم این قرآن را شما دست شیعیان دیدی؟

گفت نه.

گفتم آیا اساتید شما يك قرآنی دست شیعیان دیدند که غیر از قرآن مسلمان‌ها است؟

گفت نه.

گفتم آیا جای خواندید که يك عالمی از شما رفته باشد خانه شیعیان، مسجد شیعیان و حسینیه‌ی شیعیان

در آن جا قرآنی دیده باشد که با قرآن شما تفاوت داشته باشد؟

گفت خیر.

گفتم از کجا می‌گویید؟

گفت روایت دارید نوری از علمای شما کتاب فصل الخطاب تألیف کرده و در آن جا ثابت کرده است که قرآن

تحریف شده است.

گفتم از اول همین را بگو که شما در کتاب‌هایتان روایاتی در تحریف قرآن دارید. اگر در يك مذهبی يك

عالمی يك کتابی مثلا در تحریف قرآن بنویسد آیا این را باید به حساب مذهب بنویسیم؟

گفت از علمای شما است.

گفتم بفرمایید ابو داود سجستانی از علمای اهل سنت قرن سوم و چهارم است کتابی به نام المصاحف دارد و

در این کتاب ثابت کرده است قرآن تحریف شده است.

خطیب از علمای بزرگ الازهر است زمان شیخ شلتوت کتابی نوشت الفرقان فی اثبات تحریف القرآن، اگر از

علمای ما يك نفر نوشته از علمای شما دو نفر در مورد تحریف قرآن نوشته‌اند.

پس ما بگوییم اهل سنت معتقد به تحریف قرآن هستند! دانشجویان که دیدند این نمی‌تواند جواب بدهد با

صدای بلند می‌خندیدند و این خیلی برای او سنگین بود.

گفتم اگر ما روایت داریم شما چندین برابر ما روایت دارید، گفت نه شما دروغ می‌گویید. گفتم بفرمایید
الاتقان سیوطی جلد اول صفحه 121 و 122 از قول عمر بن خطاب نقل می‌کند که قرآن يك ميليون و بیست و
هفت هزار حرف دارد!

گفتم قرآنی که دست شما است چند تا حرف دارد؟ گفت نمی‌دانم.

گفتم با کامپیوتر هم می‌توانی بزنی تمام حروف و کلمات قرآن و آیات قرآن را شمرده‌اند گفت من تا به حال
نشنیده‌ام.

گفتم شما کتاب تفسیر قرطبی را همان اولش صفحه 54 و 55 را ببین در آن جا می‌گوید زمان حجاج بن
یوسف تمام حفاظ و قراء را جمع کردند آیات قرآن و کلمات قرآن و حروف قرآن را دانه دانه شمردند.

کل حروف قرآن سیصد و چهل و هفت هزار و هفت صد و اندی شد، یعنی خلیفه دوم می‌گوید قرآن يك
میلیون و بیست هزار حرف داشته و حال آن‌که قرآن حدود سیصد و چهل و هفت هزار حرف ندارد.

یعنی بیش از دو سوم قرآن حذف شده است! کجا رفته است؟ گفتم در مورد سوره احزاب روایت از عایشه از
ابی بن کعب از ابو سعید خدری از خود عمر ابن خطاب آورده‌اند سوره احزاب زمان پیغمبر صلی الله علیه واله و
سلم مثل سوره بقره بود. یعنی دویست و هشتاد و اندی آیه داشت الان سوره احزاب هفتاد آیه بیشتر ندارد، این
دویست تا آیه‌اش کجا رفته است!؟

این دیگر نمی‌توانست جواب بدهد و بچه‌ها هم بلند بلند می‌خندیدند دور ما را هم افراد زیادی گرفته بودند و
يك معرکه‌ای در آن جا شده بود.

پرسش:

این قضیه کجا بود؟

پاسخ:

کنار بیت الله الحرام قسمت شرقی اش ماه رمضان هم بود.

پرسش:

خوب شد نیامدند سرتان را ببرند!

پاسخ:

نه، من در بحث کردن با اینها حواسم بود. عرض کردم شما اگر پایبند صحابه نشوید اینها هیچ کاری نمی‌توانند بکنند در هر صورت بحث ما خیلی طول کشید و ایشان کم آورد و شروع کرد و گفت شما چرا به روایات صحیح بخاری و مسلم عمل نمی‌کنید؟

گفتم برادر من شما اول همین بجهای که در رابطه با تحریف قرآن زاییدی بزرگ کن! حالا به صحیح بخاری و مسلم هم می‌رسیم. بعد دیدم یکی دو نفر از دانشجویان گفتند حاج اقا جوابش را بدهید.

اسم این بنده خدا هم فکر کنم صالح بود گفتم برادر صالح آقای بخاری کتابی دارد به نام تاریخ اوسط. ایشان در آن کتاب در صفحه 97-98 خلفاء را می‌شمرد می‌گوید خلیفه اول ابوبکر، خلیفه دوم عمر، خلیفه سوم عثمان بعد خلیفه چهارم معاویه ابن ابی سفیان! علی را جزو خلفاء نمی‌شمرد در صفحه 118 می‌شمارد خلیفه اول چقدر خلافت کرد دوم چقدر سوم چقدر

«ثم بدأت خمس سنة، سنة الفتنه»

بعد به معاویه می‌رسد گفتم یک کسی که علی را جزو خلفاء نمی‌شمارد وحتى به عنوان خلیفه چهارم هم

قبول ندارد ما چطور به کتابش اعتماد بکنیم؟

گاهی اوقات اگر بحث‌های علمی بکنیم جوان‌ها نمی‌فهمند. علتش چیست؟ در این‌طور مواقع بحث احساسی و عاطفی بیشتر تأثیر می‌گذارد او هیچ حرفی نزد دانشجویها گفتند آقا شما که هر روز این‌جا مثل بلبل برای ما حرف می‌زنی! زبانت کجا رفته است؟ بعضی‌ها گفتند زبانت را موش خورده؟ دانشجویها دنبال متلک بودند به قدری به او حرف زدند که من دلم به حالش سوخت از مواردی که خیلی دل من برای طرف مقابل سوخت همین‌جا بود!

گفت جواب همه این‌ها را فردا برایت می‌آورم گفتم باشد فردا بیاور، کجا؟ گفت همین‌جا ما فردا رفتیم سی‌چهل نفر دانشجو هم دور ما را گرفته بودند که این آقا می‌خواهد برای ما جواب بیاورد گفتم رفیق‌تان چه شد، نیامد؟ گفتند گوشه‌ای نشسته و سرش را پایین انداخته، گفتم بگویید این‌جا بیاید رفتند گفتند و او آمد گفتم برادر صالح جواب‌های ما را نتوانستی بیاوری اگر آوردی ما از شما استفاده کنیم گفت نه من وقت نکردم بروم بیشتر مطالعه کنم.

با آن زبان بلبلی که داشت خیلی حیران شده بود حرفی برای زدن نداشت در هر صورت این‌ها یکی از حرف‌هایی که عمدتاً مطرح می‌کنند بحث تحریف قرآن است که آقا شیعه، چون معتقد به تحریف قرآن است طعنه به قرآن زده و کافر هم هست.

دوم:

«طعنهم في السنة وأحاديث الصحيحين، فلا يعملون بها، لأنها من رواية الصحابة الذين هم كفار في اعتقادهم

«

سوم:

«تکفیرهم لأهل السنة»

شیعه‌ها اهل سنت را تکفیر می‌کنند.

«فهم لا يصلون معکم، ومن صلی خلف السنی أعاد صلاته، بل یعتقدون نجاسة الواحد منا، فمتی صافحناهم

غسلوا أیدیهم بعدنا»

هر کس از شیعه‌ها با یکی از ماها دست بدهد معتقد است که ما نجس هستیم بعداً می‌رود دستش را آب

می‌کشد.

آنها ما را کافر می‌دانند ما هم آنها را کافر می‌دانیم استدلال را نگاه کنید چقدر قوی است!

«ومن کفر المسلمین فهو أولى بالكفر، فحن لکفرهم کما کفرونا»

چون آنها ما را تکفیر می‌کنند ما هم آنها را تکفیر می‌کنیم

پرسش:

استادا! ما به تحریف معنوی قرآن که اعتقاد داریم

پاسخ:

نه، تحریف معنوی به چه معنا؟

پرسش:

به این معنا مثلاً وقتی شما شأن نزول آیات را بررسی می‌کنید

پاسخ:

شأن نزول بحث دیگری است آیا این قرآن

«بين الدفتين عين ما نزل الى النبي»

است يا خير؟ بله ما معتقد هستيم

پرسش:

کلمات که بله، تحريف معنوی را می‌گویم آیا ما اعتقاد داریم که اهل سنت تحريف معنوی کردند یا نکردند؟

تحريف معنوی کردند

پاسخ:

آن را تحريف نمی‌گویند تحريف یعنی یک مطلبی را که:

«ليس من القرآن، من القرآن»

یا حذف:

«ما في القرآن، من القرآن»

معنای تحريف کلاً مشخص است تحريفی که مورد بحث است یعنی چیزی که جزو قرآن است ما حذف کنیم

چیزی جزو قرآن نیست به آن اضافه کنیم.

بحث شأن نزول، علمای خود ما هم یکی می‌گویند شأن نزولش این است یکی می‌گویند شأن نزولش این

نیست اختلافی که شما در شأن نزول دارید بین علمای شیعه هم رایج است نه تنها بین علمای شیعه

واهل سنت.

پرسش:

تفسیر به رأی تحريف معنوی است که همه دارند

پاسخ:

نمی‌شود به آن تحریف گفت؛ به آن انحراف می‌شود.

چهار:

دلیل چهارم: این‌ها شرک صریح در علی (علیه السلام) و ذریه او دارند این آقا با این چهار تا دلیل - که مثلاً خیلی محکم بود! یعنی به قول معروف مو لای درزش نمی‌رفت! - ثابت کرد که شیعه‌ها بلاشک همه کافر

هستند!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته